

## هشت مارچ را گرامی بداریم؛ همبستگی و مبارزات جنبش زنان را تقویت نماییم!

هشت مارچ امسال در حالی از راه می‌رسد که زنجیر اسارت و برده‌گی بر دست‌وپای زنان در افغانستان و جهان، محکم‌تر شده است. زنان ستم‌دیده‌ترین بخش ستم‌دیدگان هستند. هر ساله میلیون‌ها زن در جهان به‌ویژه در کشورهای تحت‌سلطه و در زاغه‌ها در اثر فقر، گرسنگی و امراض زندگی‌شان به تباهی و نابودی کشیده می‌شوند. زنان در سراسر جهان، به‌صورت وحشتناک مورد ضرب‌وشتم و تجاوز قرار می‌گیرند و به قتل می‌رسند. خرید و فروش، برده‌گی و قاچاق زنان و اطفال رو به افزایش است. جنگ در اوکراین و زلزله مهیب در ترکیه بیشترین قربانی و تلفات را از میان زنان و کودکان گرفتند. رونق دادن به صنعت سکس و پورنوگرافی برای سوداندوزی بیش‌تر از پیش، به تحقیر زنان شدت بخشیده است. تغییرات اقلیمی و کرونا بر فقر و اسارت زنان در جهان افزوده‌اند.

هشت مارچ، روز همبستگی و مبارزات زنان، علیه اشکال ستم‌جنسی و برده‌گی زنان، هر ساله توسط کمونیست‌ها، عناصر مترقی، زنان و مردان زحمتکش و آگاه در سراسر جهان تجلیل می‌گردد. احزاب و سازمان‌های کمونیستی در این روز، با ایراد بیانیه‌ها و برگزاری تظاهرات خیابانی و محافل، پرده از ماهیت ستم مردسالاری و جنایات سرمایه‌داری بر می‌دارد و در راه آگاهی‌دهی و همبستگی زنان یاری می‌رسانند. از طرف دیگر اما، نهادها و سازمان‌های وابسته به دولت‌های سرمایه‌داری، تجلیل از هشت مارچ را به تجلیل فرمایشی، تشریفاتی و بی‌محتوا از این روز تقلیل داده‌اند. این نوع تجلیل از هشت مارچ، در بیست سال گذشته، تحت سلطه اشغالگران امریکایی - اروپایی در افغانستان نیز باب شده بود.

در افغانستان، تحت سلطه امارت طالبان، نه تنها از این تجلیل فرمایشی و تشریفاتی خبری نیست، بلکه طالبان کمترین حق‌خواهی و تجمع زنان را با شدت تمام سرکوب می‌کنند. بنیادگرایی طالبان از همان ابتدای قدرت‌گیری‌شان با تجاوز و تهاجم به حقوق اولیه زنان، چهره بغایت ارتجاعی و ضد زن از خود به نمایش گذاشتند و با صدور فرامین شرعی، آزادی و حقوق اولیه زنان را سلب نموده و آن‌ها را در پستوهای خانه‌ها راندند. طالبان در اجرایی این فرامین از ضرب‌وشتم، شکنجه، زندانی کردن و کشتن زنان دریغ نکرده و نمی‌کنند. این امر نشان داد که میان بنیادگرایی اسلامی و زنان، مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر وجود دارد و برده‌سازی زنان و تحکیم سلطه مرد بر زن جز جدایی‌ناپذیر از گروه‌های افراط‌گرایی دینی هستند.

در یک‌و نیم سال سلطه طالبان بر کشور، درام تراژیدی و غم‌انگیز از سیاه‌روزی و تحمیل قوانین اسارت‌بار بر زندگی زنان و مردم این کشور به‌نمایش درآمده است. این گروه قوانین شریعت اسلامی سختگیرانه‌ی را طی فرمان‌های متعدد بر زنان و مردم افغانستان تحمیل نموده است. تعلیق آموزش زنان و دختران در دانشگاه‌ها و منع کارکنان زن در سازمان‌های غیردولتی از آخرین فرمان‌های این گروه بوده‌اند. طالبان قبلا، مکاتب متوسطه و لیسه را بسته کرده، زنان را از رفتن به پارک‌ها، سالن‌های ورزشی و سایر مکان‌های عمومی و سفر بدون محرم منع کرده بودند. این در حالی است که فرماندهان طالبان، برای تصاحب زنان و دختران جوان از طریق فریب، وعده و وعیدها، زور و پول، باهم مسابقه گذاشته‌اند.

عواقب و پیامدهای این عملکردها و فرامین تا کنون، خشم و نفرت گسترده مردم، ایستادگی و مقاومت زنان به اشکال مختلف، اختلاف درونی، فشار و انزوایی جهانی و اعتراض رهبران مذهبی و سیاسی کشورهای اسلامی را علیه این گروه به همراه داشته است. بنیادگرایی اسلامی طالبان، از یک طرف، تثبیت و استحکام قدرت امارت‌شان را بر تحمیل اجباری قوانین شریعت بر زنان و سرکوب کلیه جامعه پیوند داده‌اند و از طرف دیگر، صدور این فرامین، به‌خصوص تعلیق آموزش مدارس و دانشگاه‌ها، عامل اصلی فشار جهانی و انزوایی طالبان و نفرت مردم از آن‌ها در داخل کشور گردیده است. بخش پیشرو زنان در برابر این تجاوز و تهاجم افسارگسیخته طالبان به حقوق اولیه‌شان، تا اکنون به اشکال مختلف ایستادگی و مقاومت کرده‌اند.

برعلاوه، تعلیق آموزش زنان و منع کارکنان زن از ادارات غیردولتی، اختلافات دورنی طالبان را آشکارتر کرده و بر شدت انتقادات فرماندهان و مقامات طالبان از رهبر این گروه افزوده‌اند. سخنان تند آن‌ها از مولوی هبت‌الله در یک ساختار دگماتیستی و متحجر طالبانی، هیمنه رهبر این گروه را در داخل‌شان به زیر سوال برده است. از طرف دیگر، فرمان جدید طالبان مبنی بر منع کارکنان زن، سبب افزایش فقر و بیکاری در جامعه گردیده

است. قبل از این نیز، در ۱۸ ماه گذشته با تسلط طالبان، فقر، گرسنگی و آواره‌گی به‌طور بی‌پیشینه‌ی در کشور افزایش یافته بود. اما طالبان با حراج گذاشتن معادن ذغال‌سنگ کشور و جمع‌آوری مالیات با سرنیزه از دکانداران و کسبه‌کاران، کاروبار آنان را به ورشکستگی کامل کشانده و در اوضاع که مردم افغانستان از گرسنگی و فقر می‌میرند، پول‌های را که از این طریق به دست می‌آورند برای اعمار مساجد، مدارس دینی و گسترش تندرستی‌های مذهبی و خرافه به مصرف می‌رسانند.

تحت سلطه طالبان، جامعه به سمت قهقرا به‌پیش می‌رود و شیرازه نیم‌بند و ویرانه‌ای کشور، بیشتر از گذشته در حال فرپاشی قرار دارد. اوضاع اسف‌بار زنان و مردم در بند افغانستان، نیاز به یک انقلاب و تغییر رادیکال را بیش از هر زمان دیگر ضروری کرده است. هرچند مردم افغانستان، در این ۱۸ ماه به یقین دریافته‌اند که امکان زندگی حداقل تحت سلطه طالبان مشکل و دشوار است. اما این سطح از درک مردم در جامعه، باید به سطح عالی‌تر از درک و آگاهی، نسبت به ماهیت جامعه طبقاتی سرمایه‌داری و بنیادگرایی اسلامی ارتقا یابد.

بدون تیوری انقلابی و بدون سازمان‌دهی و تشکیلات انقلابی نمی‌توان، ضرورت دگرگونی و انقلاب در جامعه را پاسخ گفت. زنان باید به اتحاد و همبستگی‌شان تحت یک برنامه رادیکال و انقلابی در چوکات یک سازمان سراسری و مخفی در کشور تلاش کنند. جنبش زنان به ارتقا دانش سیاسی ضرورت دارد و از این طریق می‌تواند بر محدودیت‌های‌شان فایق آید. استفاده ابزاری از نام و تشکل زنان باید پایان پذیرد. برای ایجاد جنبش سراسری و نیرومند زنان در کشور لازم است از همین اکنون، یک برنامه مبارزاتی و یک آیین‌نامه تشکیلاتی تحت رهبری یک سازمان مخفی از جدی‌ترین کادرها و رهبران زنان ساخته شود.

اعضا و کادرهای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، خود را بخش از جنبش پیش‌رو و انقلابی زنان افغانستان می‌دانند و برای ارتقای این جنبش از هیچ نوع تلاش دریغ نمی‌کنند. پیروزی انقلاب دموکراتیک‌نویین و برقراری جامعه سوسیالیستی، بدون رشد جنبش مبارزاتی زنان ممکن نیست. حزب ما باورمند است که بدون مبارزه رادیکال و به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک‌نویین و سوسیالیستی، خلاصی و رهایی از ستم و استثمار طبقاتی ممکن نیست و هرگونه تلاش و پیکار در چارچوبه نظام حاکم، جز بر استحکام زنجیر اسارت زنان، به چیزی دیگر منتهی نخواهد شد. برای رهایی از این وضع، نیاز به انقلاب است. انقلاب که بر اساس تیوری کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) و حزب پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمت‌کشان استوار باشد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۸ مارچ ۲۰۲۳ - ۱۴۰۱